

ذخیره دانشی: هر آنچه که افراد از تجارب فردی و اجتماعی و مطالعات مدرسه ای و دانشگاهی می آموزند؛ ذخیره دانشی آنان را شکل می دهد. (افرادی که روابط اجتماعی بیشتری داشته و اهل مطالعه نیز می باشند؛ ذخیره دانشی غنی تری دارند).

هر فرد، گروه، قوم، طبقه، جامعه، امت و ... یک ذخیره دانشی دارد. ذخیره دانشی که راهنمای زندگی آنهاست.

ذخیره دانشی؛ دو بخش دارد:

الف) دانش عمومی: (دانش عمومی و همگانی): دانشی که افراد یک جامعه راجع به باورها- ارزشها- سنت ها - آداب و رسوم- هنجارها (قوانین رسمی و عرفی) دارند. این دانش ها همگانی و عمومی است، یعنی میان افراد جامعه مشترک است.

ب) دانش علمی (دانش تخصصی): دانشی که افراد در محافل علمی (مدرسه و دانشگاه) یاد می گیرند. فلسفه پیدایش دانش عمومی این است که موجبات غنا، بروز رسانی و پویایی دانش عمومی جامعه را فراهم سازد.

ویژگی های دانش عمومی (دانش عمومی و همگانی):

- ✓ به سبب عادت و تکرار؛ از نظر ما پنهان مانده است. (مثال: آگاهی ها و دانش هایی که در فعالیت های روزمره؛ چون: راه رفتن- احوال پرسی کردن- غذا خوردن و داریم)
- ✓ اگر این دانش نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل شده و جهان اجتماعی فرو می ریزد.
- ✓ انسانها این دانش را در طول زندگی خود بدست می آورند. حاصل یک عمر زندگی است و بتدریج بدست می آید).
- ✓ این دانش موجب صرفه جویی در وقت و انرژی ما می شود. (لازم نیست برای هر کاری خودمان مستقلا فکر و برنامه ریزی کنیم، زیرا دانش آن از قبل وجود دارد. مثال: همه ما بسادگی می دانیم که چطور می بایست در مراسم عروسی یا چگونه باید در مدرسه رفتار کنیم و لازم نیست در خصوص آنها ساعت ها فکر و برنامه ریزی کنیم)
- ✓ این دانش در میان اعضای جامعه مشترک است. (عمومیت دارد و همگانی است).
- ✓ جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می کنیم، این دانش را در اختیار ما می گذارد.
- ✓ این دانش گسترده ترین بخش ذخیره دانشی است. (بخش عمده ذخیره دانشی ما را تشکیل می دهد).
- ✓ ما درباره این دانش کمتر می اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می کنیم و در تعامل با یکدیگر بکار می بریم. (اصولا تعامل و روابط اجتماعی بواسطه این دانش، امکان پذیر می باشد).
- ✓ این دانش برای زندگی اجتماعی همانند هوا برای انسان است (انسان همواره از هوا استفاده می کند اما از اهمیت آن غافل است و هنگامی متوجه اهمیت آن می شود که تغییری در آن رخ داده و تنفس دچار اشکال می شود).
- ✓ این دانش به مثابه سیمان اجتماعی عمل می کند (موجب ارتباط و بهم پیوستگی انسانها می شود). همانگونه سیمان طبیعی موجب بهم چسبیدن آجرهای پراکنده و آنانرا را به یک بنا تبدیل می کند. دانش عمومی هم انسانها را بهم وصل کرده و آنانرا به یک اجتماع و جامعه بدل می سازد
- ✓ اهمیت این دانش بسیار بیشتر از دانش علمی (دانش تخصصی) است، زیرا بقاء و تداوم جامعه به این دانش وابسته است. دانش علمی در اصل در خدمت دانش عمومی است. فلسفه پیدایش دانش علمی؛ افزایش غنای دانش عمومی است.
- ✓ این دانش با دانش علمی رابطه دوسویه دارد (هم تاثیر گذار است و هم تاثیر پذیر) البته همانطور که گفته شد، وزن و اهمیت دانش عمومی به مراتب بیشتر از دانش علمی است.
- ✓ دانش عمومی دانش اصالت هاست. دانشی است که ما را به اصل خود پیوند می زند. انسان های اصیل انانی هستند که باورها- ارزشها - سنت ها و آداب و رسوم جامعه شان را خوب می شناسند، به اهمیت آنها واقفند و البته به آنها

افتخار کرده و می‌بالند. این افراد هیچگاه باورها و ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی خود را با معیارهای دیگر جوامع (غربی و غیر غربی) نمی‌سنجند. بلکه بدون تعصب و با کسب تخصص به اصلاح و غنی‌سازی دانش عمومی جامعه خود می‌پردازند.

یادآوری: باورها-ارزش‌ها-هنجارها-سنت‌ها-آداب و رسوم و هویت ما هستند. اصالت ما هستند. واقعا چطور می‌شود که برخی باورها و ارزش‌ها و سنت‌های جامعه را به سخره می‌گیرند. دفاع جانانه جوانان غیور ایرانی در دوران دفاع مقدس ناشی از همین دانش عمومی بود که همانند یک سیمان اجتماعی این دلاوران را به یک دژ مستحکم در برابر دشمنان تبدیل کرد. ارزش‌ها و سنت‌هایی چون: ایثار-همدلی-غیرت و بود که جلوی تجاوز دشمن را گرفت و نه چیز دیگر..

کسی که اهمیت دانش عمومی را برای جامعه می‌داند، به باورها-ارزش‌ها-سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی عشق می‌ورزد. (عشق ورزی در عین انتقاد عالمانه و سازنده و با هدف ماندگاری و اعتلای دانش عمومی)

ویژگی‌های دانش علمی: (دانش تخصصی)

- بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکل می‌دهد.
- این دانش از طریق تامل و اندیشه در دانش عمومی بدست می‌آید. (دانش علمی از دانش عمومی ریشه می‌گیرد).
- این دانش، آسیب‌ها و اشکالاتی که به دانش عمومی راه یافته را شناسایی می‌کند و از سوی دیگر از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع می‌کند. (نقد منفی و نقد مثبت دانش عمومی)
- این دانش موجب درک عمیق از دانش عمومی می‌شود. (از ظاهر باورها-ارزش‌ها-سنت‌ها-آداب و رسوم و ... عبور کرده و اهمیت و کارکرد مهم آنها را آشکار می‌سازد. مثال: نشان می‌دهد که سنت‌هایی چون نوروز-محرم و رمضان، چقدر در انسجام و همدلی اجتماعی افراد جامعه تاثیر گذارند).
- این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر از دانش عمومی است.
- این دانش، دانش عمومی را غنی‌تر می‌سازد (از طریق **update** یا بروزرسانی دانش عمومی/از طریق نقد مثبت و منفی در چارچوب احترام به آن)
- این دانش با تلاش برای حل مسائل زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند (دانش علمی، مساله محور است). هرگاه در جامعه مساله خاصی مطرح می‌شود؛ زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی ایجاد می‌شود. (مثال: افزایش بی‌رویه جمعیت موجب شکل‌گیری علم جمعیت‌شناسی می‌شود/مرگ و میر نوزادان موجب پیدایش علم پزشکی می‌شود). در شرایطی که دانش عمومی از عهده حل برخی مسائل بر نمی‌آید و به بن‌بست می‌رسد. دانش علمی ضمن احترام و هماهنگی با دانش عمومی شکل می‌گیرد. دقت کنید: دانش علمی در اصل مساعدت‌کننده دانش عمومی است و نه رقابت‌کننده و سرزنش‌کننده آن.
- این دانش با دانش عمومی رابطه دوسویه دارد (هم اثرگذار و هم اثرپذیر)
- دانش علمی از دل دانش عمومی بوجود می‌آید. برای زدودن فرسودگی‌ها و **update** کردن آن عمل می‌کند. فلسفه وجودی دانش علمی؛ غنابخشی و ارتقای دانش عمومی با هدف حفظ و پیشرفت جامعه است.

تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی:

تعارض میان این دو دانش را می‌توان به دو شکل تصویر نمود:

الف: تعارض روشی (ب) تعارض هویتی (ماهوی)

تعارض روشی: تعارض بر سر راه و روش حل مساله است. این نوع تعارض؛ تعارضی مفید و سازنده است. راه حل آن به این ترتیب است که یکی از این دانش ها به نفع دیگری کنار می کشد. یا اینکه ایده های جدیدی طرح می شود. مثال (تعارض در مورد روش عزاراداری قمه زنی در ایران؛ این یک تعارض روشی است. دانش علمی تنها به لحاظ روشی به نقد دانش عمومی می پردازد و دانش عمومی در این خصوص با رضایت کنار می کشد).

مثال دیگر: تعارض در خصوص حل مسائل بهداشتی: که دانش عمومی با آغوش باز یافته های علمی را می پذیرد.

امروزه از دورافتاده ترین روستاها برای حل مسائل بهداشتی و پزشکی به مطب پزشکان متخصص در شهرها مراجعه می شود. امروزه بخشی از دانش علمی مربوط به پزشکی، عمومیت یافته و به دانش عمومی تبدیل شده است. مثال: همگان تقریباً با داروهای سردرد و سرماخوردگی آشنا هستند. و رعایت نکات پزشکی و بهداشتی به یک سنت اجتماعی بدل شده است.

تعارض هویتی (ماهوی): تعارضی است که طی آن دانش علمی. کلیت دانش عمومی یا بخش عمده ای از آنرا انکار می کند. آنرا از ریشه می زند. این تعارضی است بسیار مخرب. چراکه موجب چالش جدی و کشمکش دانش عمومی و علمی می شود. که البته بازنده اصلی در این تعارض؛ دانش علمی است نه عمومی

در نزاع میان سنت و علم. نیروی سنت قابل مقایسه با علم نیست و کمر علم را می شکند.

سوال اینجاست: این تعارض در چه شرایطی رخ می دهد؟؟

زمانی که رویکرد جوامع مدرن و متجدد به علم؛ به جوامع دیگری که علاوه بر علم تجربی؛ علوم عقلانی و وحیانی را هم معتبر می دانند، سرایت کند یا تحمیل شود.

جهان های اجتماعی مختلف بر اساس هویت فرهنگی خود؛ تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.

جوامع مدرن و متجدد بر اساس هویت دنیوی خود؛ صرفاً علوم تجربی را دانش علمی دانسته و برای علوم عقلانی و وحیانی هیچگونه اعتباری قائل نمی باشد. اگر چنین رویکردی بعنوان نمونه به جامعه ایران سرایت کند، منجر به تعارض در ذخیره دانشی جامعه خواهد شد. زیرا جامعه ایرانی علاوه بر علم تجربی؛ علوم عقلانی و وحیانی را هم معتبر می داند.

اصولاً یکی از دلایل مهم علم گریزی در ایران این است که علم در ایران عمدتاً وارداتی است. علم جوامع غربی بدون اینکه با دانش عمومی ایرانیان هماهنگ و متناسب شود. وارد جامعه شده است. واضح است که جامعه در قبال علمی که بسیاری از باورها - ارزش ها و سنت هایش را زیر سوال برده و تحقیر می کند. واکنش نشان می دهد. در برابر آن موضع گیری می کند. از پذیرش آن امتناع می ورزد.

همینطور است قانون گریزی در ایران. وقتی قوانین از جوامع غربی به کشور وارد می شوند، قوانینی که با باورها و ارزش ها و سنت های جامعه (دانش عمومی) کاملاً بیگانه می باشند. و هیچ تلاشی برای متناسب سازی قوانین با فرهنگ عمومی جامعه انجام نمی شود. چگونه می توان انتظار داشت که مردم جامعه با آغوش باز آنرا بپذیرا باشند.

بعنوان مثال در آلمان: تصویب قانون اجباری شدن بستن کمربند ایمنی در خودروها؛ چهارده سال زمان برد. به این ترتیب که دولت آلمان با همکاری رسانه ها و دانشگاهها به بررسی مزایا و معایب این قانون پرداخت، در چندین نوبت از مردم نظرخواهی شد، کنفرانس های متعددی برگزار شد. سرانجام خود مردم پس از آگاه شدن از مزایای چنین قانونی. به تصویب آن تاکید نمودند. وقتی تصویب یک قانون کوچک با این ظرافت و احترام به سنت های اجتماعی صورت می گیرد. قانون گریزی بی معنا خواهد بود.

بنابراین یکی از دلایل مهم علم‌گریزی در ایران، اینکه اقشار سنتی و بزرگسال معمولاً درس‌خواندها را چندان قبول ندارند. اینکه مدرک‌گرایی تا این حد در جامعه رواج یافته است و... این است که علم‌دانشگاهی در ایران چندان تناسبی با دانش عمومی جامعه ندارد. علم‌دانشگاهی عملاً نمی‌تواند موجبات غنای دانش عمومی را فراهم کند. برعکس همین علم‌دانشگاهی گاهی اوقات به تحقیر و تمسخر دانش عمومی می‌پردازد. برخی دانشگاهیان، سنت‌های جامعه خودشان را به تمسخر می‌گیرند... علم را به معنای سنت‌ستیزی می‌دانند و... در حالیکه طبق تجربه جوامع توسعه‌یافته، دانش علمی است که از دل دانش عمومی و برای غنای آن شکل می‌گیرد و نه برای تحقیر و حذف آن.

پیامدهای تعارض هویتی میان دانش علمی و عمومی :

- ❖ در ذخیره‌دانشی جامعه تعارض شکل می‌گیرد
- ❖ ارتباط دوسویه میان دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود.
- ❖ دانش علمی از رشد و رونق باز می‌ماند.
- ❖ دانش علمی دغدغه و توان لازم برای حل مسئله و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد
- ❖ دانش عمومی راه خود را می‌رود و چون دانش علمی نیست که آنرا اصلاح و غنی سازد. بتدریج اعتبار خود را در جامعه از دست می‌دهد. (بی‌تفاوتی نسل جوان به برخی باورها- ارزشها و سنت‌ها و...)
- ❖ دانش علمی هم راه خود را می‌رود و بی‌توجه به دانش عمومی صرفاً در عرصه نظری و تئوری مانده و به مدرک‌گرایی تقلیل می‌یابد. (انبوه کتاب‌ها و مقالات علمی دریغ از حداقل توان حل مسائل اجتماعی)

ایده علوم اجتماعی بومی (ایرانی - اسلامی) ناظر به همین تعارض و با هدف حل آن است. جامعه ایرانی نیازمند علم اجتماعی است که: همسو با هویت فرهنگی جامعه (دانش عمومی) باشد / ناظر به حل مسائل جامعه خودمان باشد (مفید و سودمند) / دارای دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست از غلط باشد (تفکر انتقادی - عدم تعصب و سوگیری) و البته به زبان و با منطق جهانشمول صحبت کند.